

در طول فصل شیردهی دام، تعدادی از زنان دام‌دار، شیرهای اندک خود را به نوبت «یک کاسه» می‌کنند. یک کاسه کردن شیرهای اندک به فرد فرد دامداران خُرد اجازه می‌دهد که محصولات لبنی مورد نیاز خود را تولید کنند. البته این توصیفی بسیار «ساده شده» از واره است کما این‌که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی واره، مانند مراسم افتتاح واره، مقررات و قواعد گردش شیر، معیارها و روش‌های اندازه‌گیری شیر، ملاحظات جدی در انتخاب هم‌وارگان و غیره که در کتاب واره به تفصیل آمده است. نشان‌گر تنوع و گوناگونی وسیعی (در تمامی این زمینه‌ها) در میان واره‌های مطالعه شده سراسر کشور است.

در کتاب واره، دکتر مرتضی فرهادی هدف کلی پژوهش خود را بدین صورت بیان می‌کند: هدف از این پژوهش، «شناخت اکتشافی و همه جانبه واره به عنوان یک گروه هم‌یار، هم‌گرا، منظم، مشکلی و غیر رسمی است» (ص. ۱۱۶). انصافاً مؤلف کتاب در این شناخت اکتشافی و همه جانبه (یعنی تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، جغرافیایی و فنی) سنگ تمام گذاشته است. با انجام این مهم، فرهادی به دو دست‌آورد ارزشمند نایل آمده است:

۱. گردآوری شواهد لازم برای بررسی جامع و سیستمی یک تعاونی کهن و پایدار.
۲. آرایه چک لیستی جامع برای برنامه‌ریزی و طراحی سیستم‌های جدید و پایدار، برای رفع مسائلی توسعه در جوامع مدرن.

فواید نظری و علمی دست‌آورد اول مؤلف، برای علاقه‌مندان و پژوهندگان رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله تاریخ، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرواضح است. لذا در این مقاله تحلیلی تلاش شده است که بیشتر بر تبعات دست‌آورد دوم، یعنی کاربرد یافته‌های این پژوهش در حل مسائلی توسعه در جوامع مدرن تمرکز شود. بدین‌منظور، جادارد که بحث حاضر را با توجیه علمی مفهوم سنتی «برکت» (که در کتاب واره نقش‌محوری دارد) آغاز

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره چهارم، پاییز زمستان ۱۳۸۲
صص. ۲۴۳-۲۵۵

واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران،
نویسنده: مرتضی فرهادی، تهران، وزارت جهاد
کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری
۱۳۸۰.

اسفندیار عباسی *

در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛
برنامه‌ریزی سیستمی، مسایل توسعه و دانش
بومی یاری‌گری

واره سازمانی است سنتی، غیررسمی، کهن و گسترش یافته در اغلب مناطق ایران، با کارکردهای مرکب، که از تلاشی برخی گونه‌های تعاونی بسیار کهن و ماقبل تاریخی، زاده شده و به خاطر اقتصادی کردن دام‌داری معیشتی و نیمه معیشتی در زمینه تولید فرآورده‌های شیری (رسا کردن میزان شیر و سازمان‌دهی روند استفاده بهینه از شیر و نیروی کار و صرفه‌جویی در این دو عامل) و به خاطر ماهیت شیر و زمینه فرهنگی و تقدس شیر و برآوردن برخی نیازهای اجتماعی-روانی هم‌وارگان، تا به امروز تداوم یافته است (ص. ۱۱۵).

ظاهراً، همانند دیگر سنت‌های یاری‌گری در جوامع محلی ایران، واره نیز راه حلی اجتماعی و فرهنگی برای استفاده مشارکتی (و با بهره‌وری بالاتر) از منابع بوده است. طرز کار واره، به طور ساده و خلاصه، چنین است که

* کارشناس اطلاع‌رسانی و آنالیز سیستم‌ها، شبکه دانش بومی و توسعه سالم.

هم‌واره‌ها می‌باشد و می‌گوید: «خدا بدهد، خدا بیشتر بدهد».

در یکی از مراسم خاص واره، موسوم به «مبارک‌باد»، هم‌واره‌ها خود را موظف می‌دانند که به سرواره مبارک‌باد بگویند و به او سخنانی حاکی از خیرخواهی، سعادت و دارایی بگویند چون «بر این باورند که این کار در افزایش شیر دام‌ها و برکت دام و واره تأثیر فراوان دارد. مثلاً در روستاهای بروجرد، مانند آیدر، زرشکه، ده بصری و کرتوت اسدخانی، هم‌واره‌ها به مشکه‌دار (صاحب‌واره) می‌گویند: «مبارک باشد» و پاسخ می‌شنوند: «روی‌تان مبارک» و سپس هم‌واره‌ها می‌گویند: «شیر من بشود کوه خیر برای تو». و یا در میان روستاها و ایلات و عشایر سیرجان و بافت، بردسیر و شهر بابک، «سرواره، خواجه خضر را سوگند می‌دهد که هم‌واره‌هایش را از چشمه‌اش محروم نسازد» (ص. ۳۹۵).

البته ناگفته نماند که از دیدگاه معرفت‌شناسی جزانگر و اثبات‌گرای^۴ علم غرب (که برای شناخت واقعیت تنها به عوامل فیزیکی قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری متکی است)، «برکت» فاقد توجیه علمی است. اما باور به برکت در میان پیشینیان ما چنان بوده است که داستان‌ها، سنت‌ها و رسوم بسیار متعددی در تفهیم و انتقال این ارزش اجتماعی و فرهنگی به نسل‌های بعد، به یادگار مانده است.^۵ جالب توجه این‌که گسترش و تکامل

کنیم تا جای‌گاه کتاب واره و یافته‌های ارزش‌مند آن در چاره‌جویی‌های توسعه در عصر حاضر روشن‌تر شود.

برای افرادی که با مفاهیم و باورهای سنتی جوامع محلی ایران بیگانه نیستند، آشنایی با واره و پایداری دیرینه این تشکل کهن، یادآور و مؤکد مفهوم «برکت» است. نقش بسیار آشکاری که در مراسم واره به «سفیدمانی»، «آب» و «سبزی» اختصاص داده شده است، حاکی از فراخوان آگاهانه برکت از سوی واره‌داران است. گویی تشکل واره، به همان اندازه که برای «یک کاسه کردن» شیر است، تلاشی آگاهانه و جمعی برای طلب برکت نیز بوده است. صریح‌ترین اشاره به برکت در توصیف «شیر طَبَق» یا «سَرچق»^۲ آمده است:

«در نزدیکی سیرجان، در واره‌های طایفه کورکی از ایل قرایی، روز شروع پیمانته کردن شیر، سرواره «خانه‌اش را پاکیزه کرده، لباس نو می‌پوشد، شیرها را از هم‌دون‌ها (هم‌واره‌ها) تحویل گرفته، در ظرفی مناسب می‌ریزد و مایه پنیر می‌زند و حصیری بافته از نی را که سَرچق نامیده می‌شود روی ظرف می‌گذارد و پارچه تمیزی روی آن می‌کشد. سپس مقداری نمک، سبزی، همراه با آینه و قرآن و هم‌چنین پِل (چوب‌دستی چوبان) و ترش تَرَبَه^۳ (توبیره چوپانی) و کفش چوپان، شیرینی، سرمه‌دان و بایده (ظرف شیردوشی) چوپان را روی سَرچق قرار می‌دهند و می‌گویند: «یا خواجه خضر، دست از من، برکت از تو» (ص. ۴۰۴).

یا در جایی دیگر (ص. ۳۹۳) می‌خوانیم که در طایفه آل سعدی، ایل خمسه فسا، در شب اول هم‌دان (واره)، صاحب واره (صاحب نوبت برای دریافت شیر) کمی آب به صورت

^۱ - معنای زیر برای لغت عربی البرکه آمده است: سعادت، نیک‌بختی، دعای خیر، افزایش، زیادت.

^۲ - sar ceq

^۳ - terestorba

^۴ - reductionist

^۵ - positivist

^۶ - یکی از این داستان‌های به یادماندنی بدین شرح است: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. دو تا برادر بودن (بروند)، یکیش متاهل بود و یکیش مجرد. اینا یک مزرعه داشتن که با هم درو کردن و با هم خرمنش را قبه کردن، دو تقسیم، الاغ ورداشتن که برن سهم‌هاشون را بیارن، یه راه برا (برای) زن داره بیارن و یه راه برا بی زنه، برا زن داره که بار کردن، اون برادر بی زنه اونجا موند و به خودش گفت: خب برادرم زن داره، بچه داره، خرچش زیاده، و یه دو تا قلویر (غریبال) از قبه خودش برداشتم

تشکیل می‌دهد، با شناخت‌شناسی متداول علم غرب متفاوت است. از دیدگاه متداول علم غرب، برای شناخت هر چیز (یا پدیده) کافی است که آن را بشکافیم و اجزای متشکله آن را خوب بشناسیم، اما از دیدگاه سیستمی علم نوین:

۱. قابلیت‌ها، عمل‌کردها، خواص و استعدادها هر چیز (سیستم)، فراتر از حاصل جمع فیزیکی اجزای متشکله آن است، و
 ۲. شناخت هر چیز (سیستم)، بدون بررسی پیوندهای بیرونی آن با سیستم‌های بزرگ‌تر میسر نیست.

توضیح این‌که، سیستم‌های بی‌شماری در جامعه و طبیعت اطراف ما قابل مشاهده و مطالعه است. از مشاهده دقیق تمامی سیستم‌های بی‌جان و جان‌داری که می‌بینیم، به نتیجه‌ای بسیار آشکار و انکارناپذیر می‌رسیم: یک سیستم کامل و کارآمد، از نظر ویژگی‌های ماهوی و کارکردی، از مجموع اجزای متشکله خود بیشتر (کامل‌تر) است. برای مثال، اگر اجزای متشکله یک خودرو را کنار هم قرار دهیم، خودرو قادر به حرکت نخواهد بود. هم‌چنین، اگر کلیه جانوران و گیاهان یک محیط طبیعی نبود شده را در محوطه‌ای گردهم آوریم، زیست‌بوم طبیعی و زنده قبلی احیا نخواهد شد. پس، برای این‌که سیستمی کارآمد داشته باشیم، چیزی بیش از اجزای متشکله آن (یعنی چیزی بیش از اجزای فیزیکی، قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری آن) نیاز داریم. این «چیز» همانا ارتباطات درونی بین اجزای سیستم است. وقتی پیوندهای لازم بین اجزای متشکله سیستم مورد نظر کامل و کارآمد می‌شود. در واقع، پس از برقراری پیوندهای درونی لازم بین اجزای یک سیستم، این مجموعه قادر به کار (یا کارهایی) می‌شود که قبلاً از عهده هیچ یک از اجزا به تنهایی و یا با هم، ساخته نبود. این توان (های) ممتاز سیستم، همانا «برکت» سیستم جدید شده است. برکت همانا ثمره (یا ثمرات) ناشی از ایجاد

دیدگاه سیستمی^۷ در مطالعات علمی امروز، توجیهی کاملاً علمی و مستدل برای مفهوم برکت فراهم آورده است.

برکت: ره‌آورد تفکر و عمل کرد سیستمی

برای روشن شدن این نکته که برکت ره‌آورد تفکر و عمل‌کرد سیستمی است، مقدمه‌ای مختصر در مورد معرفت‌شناسی سیستمی ضروری است: شناخت‌شناسی نوین در علم، که بر بررسی سیستمی چیزها و پدیده‌ها تأکید دارد، عمدتاً برخاسته از درک عمیق اندیشمندان امروز از اثرات سویی است که روش زندگی انسان‌ها در عصر مدرن، بر کل طبیعت داشته است. تأثیر ویران‌گر سلیقه‌های مصرفی مردم بر سیستم‌های حیاتی و حیات‌بخش کره زمین (مانند چرخه آب، چرخه اکسیژن و سیستم تنظیم دمای کره)، غالب اندیش‌مندان را متقاعد کرده است که طبیعت (و هر آنچه که درون آن است، از جمله جوامع انسانی) مجموعه‌ای منظم، تودرتو و به هم پیوسته از «سیستم‌ها» است. نگرش سیستمی، که اساس شناخت‌شناسی نوین را

ریخت رو قبه این برادر زن داره. این دفعه برا این برادر بی زنه گندم بردن. این برادره به خودتش گفت: برادرم هنوز زن نگرفته، خرجش خیلی می‌شه. به دو تا قلویر از خرمنم وردارم بریزم رو خرمن برادرم که اون کارو بارش چاق‌تر بشه و زودی زن بگیره، خلاصه، می‌این به راه برد و می‌اون به راه برد. می‌این دو تا قلویر می‌ریخت رو قبه اون و می‌اون دو تا قلویر می‌ریخت رو قبه این. تا شوم (شب)، که بردن، دیدن خرمنه طی (تمام) نمیشه. آخرسر، برادرا افتادن به همدیگه، گفتن: پس چرا این خرمننا طی نمی‌شه؟ گفت: برادر، راه اولی که نورفتی، من دو تا قلویر ریختم رو خرمنتم، گفت: برادر، تو که اون بار دوم رفتی، منم (من هم) دو تا قلویر ریختم رو خرمنتم، گفتن، خب چون ما به هم بخشیدیم، خدا هم به دو تا مون بخشیده. الهی شکر، صد هزار مرتبه شکر (راوی عبدالله هدایتی، گردآورندگان: اسفندیار عباسی و حمیرا شریفی، شبکه دانش بومی و توسعه سالم، ۱۳۷۸)

(Koestler, 1971; Wilber, 1995). عدم توجه ما به ماهیت و عمل‌کرد سیستمی چیزها و پدیده‌ها در طبیعت و جامعه موجب شده است که راه‌کارهای توسعه در جامعه مدرن نیز ناقص و ناکارآمد باشد.

برنامه‌ریزی و طراحی غیر سیستمی (ناپایدار) در جامعه مدرن

متأسفانه، اثر سوء دیدگاه علم جزءنگر بر شناخت ما از مسایل (از جمله مسایل زیست محیطی، بهداشتی، اجتماعی (چه در شهر و چه در روستا)، تربیتی، اقتصادی و فرهنگی) چنان محدودکننده بوده است که چاره‌جویی‌های قرن بیستم (در تمامی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه) به راه‌حل‌های مقطعی، ناقص و ناکارآمد محدود مانده است. می‌توان به جرأت گفت که طرح‌های توسعه، به‌طور کلی از مزایای بسیار توانا و توان‌مندساز برنامه‌ریزی و طراحی سیستمی و نتیجتاً تبعات مطلوب (و برکات گوناگون) آن، از جمله پایداری، بی‌بهره بوده است.

برای مثالی واضح و ملموس، لحظه‌ای به مسئله ترافیک و آلودگی هوا در کلان‌شهرها بیندیشیم. از دیدگاه جزءنگر، مسئله ترافیک شهری ناشی از کثرت اتومبیل‌ها، باریکی خیابان‌ها و احتمالاً کمبود آزادراه‌ها، پارکینگ‌ها و پمپ بنزین‌ها تلقی می‌شود. (به ماهیت فیزیکی تمامی این عوامل دقت شود.) این علت‌شناسی محدود، معمولاً به اقداماتی محدود (با تأثیر کوتاه مدت)، مانند عریض کردن خیابان‌ها، کوچک‌تر کردن اندازه خودروها، احداث آزادراه‌های جدید و پارکینگ‌ها و پمپ بنزین‌های بیشتر، منجر می‌شود. اما تجربه کلان‌شهرهای دنیا (از جمله تهران) عیناً نشان می‌دهد که این راه‌کارها نه تنها مؤثر نیستند بلکه به تشدید مسئله ترافیک و آلودگی هوا،

پیوندهای مناسب و هدف‌مند بین چیزهای جدا از هم برای تشکیل سیستمی کامل، کارآمد و پایدار است.

واضح‌ترین مثال‌های برکت در علم شیمی یافت می‌شود. نمک طعام با خواص سدیم و کلر قبل از ترکیب، کاملاً متفاوت است. این تفاوت همان برکت ترکیب هدف‌مند سدیم و کلر است. نشان دادن پدیده برکت در ترکیبات شیمیایی آسان است، اما نشان دادن این پدیده در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، فکری و روانی به همان اندازه دشوار است. از این روست که نیاکان ما برای تشویق کاربست و انتقال اعتقاد به اثر ممتاز و معجزه‌آسای عمل‌کرد سیستمی در جامعه (یعنی طراحی راه‌کارهای پایدار با در نظر گرفتن تمامی پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قومی) به نسل‌های بعد، از استعاره در ادبیات شفاف‌ی و سمبولیسم در مراسم اجتماعی و فرهنگی کمک می‌گرفته‌اند.

ناگفته نماند که از دیدگاه شناخت‌شناسی سیستمی، علاوه بر پیوندهای درونی یک سیستم، پیوندهای بیرونی آن نیز می‌باید بررسی و شناخته شود. مثلاً شناخت سلول، تنها با شناخت اجزای متشکله و پیوندهای درونی آن کامل نیست. یعنی، مطالعه سلول باید با توجه به اندامی که در آن است (مثلاً قلب) انجام شود. اما قلب نیز خود درون سیستمی بزرگتر است، (مثلاً بدن انسان)؛ و انسان نیز در سیستمی بزرگتر (جامعه و فرهنگ)؛ و جامعه و فرهنگ نیز در سیستمی بزرگتر (یعنی محیط جغرافیایی و اقلیمی)؛ و این محیط نیز درون سیستمی بزرگتر (همانا زیست بوم) قرار دارد. از این رو، هرچه گستره تحقیقات ما فراگیرتر و جامع‌تر باشد، شناخت ما از آن چیز و یا آن پدیده کامل‌تر و جامع‌تر خواهد بود.

اما تمرکز و پافشاری بر جزءنگری و تخصص‌گرایی در علم متداول، انسان مدرن را از بینش سیستمی و پیوندهای بین‌اجزای هستی غافل ساخته است. (Harman, 1995)

و لذا برای حل این معضل باید سیستمی ابداع کرد که کلیه این عوامل را به نوعی شامل شود. (نک به قاب پایان مقاله)

البته نمونه‌های خطاهای فاحش در چاره‌جویی‌های توسعه‌مدرن، که ناشی از نگرش جزءنگر است، کم نیستند: کشاورزی شیمیایی، طب شیمیایی، انرژی اتمی و مهندسی ژنتیکی، از یادگارهای تفکر توسعه‌ناپایدار و ناسالم قرن بیستم است. البته راه‌کارهای ناکارآمد (غیر سیستمی) را به راحتی می‌توان تشخیص داد: اگر چه این راه‌کارها در ابتدا، شگفت‌آور، مفید و مؤثر جلوه می‌کنند، اما با گذشت زمان آشکار می‌شود که، به قول قدما، «آخر و عاقبت ندارند». یا به عبارت امروزی‌تر، «پایدار» نیستند. تا کی می‌شود جاده‌ها را عریض‌تر کرد، شهرها را بزرگ‌تر نمود و پارکینگ‌های عریض‌تر و یا مرتفع‌تر ساخت؟ تا کی می‌شود، سطح بیشتری را زیر کشت برد، گندم بیشتری کشت کرد و جمعیت‌های بیشتری به وجود آورد؟ پس تعجب‌آور نیست که اندیش‌مندان قرن بیست و یکم متوجه ضرورت اتخاذ نگرشی سیستمی و طراحی راه‌حل‌های چند جانبه و جامع‌تر در حل مسایل توسعه شده‌اند.^۹

کتاب واره معرف و توصیف‌کننده تبلوری تاریخی و هوش‌مندانه از تفکر و طراحی سیستمی است. براساس آنچه مرتضی فرهادی در مورد واره یافته است، این تشکل محلی یکی از پایدارترین سیستم‌های اقتصادی تاریخ بشر بوده است. انتشار کتاب واره، که تاکنون بسیار فروتانه و بی‌سروصدا مانده است، چالشی عظیم پیش پای برنامه‌ریزان و طراحان توسعه پایدار در ایران و جهان گذاشته است:

^۹ - برخی از این اندیش‌مندان معتقدند که اعتقاد به نگرش سیستمی و ابداع راه‌کارهای پایدار برای حل مسایل توسعه، دگرگونی عمیقی در تفکر توسعه و مفهوم پیشرفت و تمدن به وجود آورده است. (عباسی، ۱۳۸۱)

بیشتر دامن زده‌اند.^۸ به عبارت دیگر، علت‌یابی جزءنگر و چاره‌جویی فیزیکی (همراه با راه‌کارهای صرفاً اقتصادی، مانند جریمه‌های سنگین‌تر) قادر به جلب هم‌کاری رانندگان و کاستن از شدت مسئله ترافیک کلان‌شهرها نبوده است. اما از دیدگاه سیستمی، مسئله ترافیک در کلان‌شهرها، مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی، فنی، اقتصادی، محیطی و روانی است

^۸ - از آشکارترین پیوندهای سیستمی که اخیراً مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است ارتباط بین پدیده گل‌خانه‌ای (یعنی گرم شدن کلی کره زمین) و گسترش کلان‌شهرها (پدیده‌های موسوم به sprawl) است. افزایش تولید گازهای گل‌خانه‌ای حاصله از ترافیک شهری در سراسر دنیا (به ویژه افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی تک‌سرنشین، کارشناسان امور ترافیک را متوجه تأثیر معکوس سیاست‌های کنونی در برنامه‌ریزی شهری کرده است. بر اساس مطالعاتی که توسط انستیتو ترابری نگزاس (Texas Transportation Institute/TTI) انجام شده است، تعداد و طول مدت راه‌بندان‌ها در لوس‌آنجلس و آتلانتا در ایالات متحده از دیگر شهرهای کشور بیشتر است. اما در این دو شهر تاکنون بیشترین اقدامات برای جاده‌سازی جهت رفت آمد ترافیک اتومبیل‌های سواری صورت گرفته است. براساس این مطالعات و دیگر مستندات مشابه، غالب کارشناسان ترافیک آمریکا بر این باورند که احداث جاده بیشتر عملاً به افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی منجر می‌شود. یکی از این متخصصان، آقای مایکل رپلوگل (Michael Replogle) به مزاح گفته است: دیگر شکی نمانده که تعریض جاده‌ها و خیابان‌ها در محدوده شهر، به منظور کاستن از بار ترافیک، مثل پوشیدن شلوار گشادتر به امید لاغر شدن است. برای اطلاع بیشتر در مورد مطالعات مربوط به امور ترافیک شهرها به سایت www.transact.org رجوع کنید.

آیا در جهان امروز، ما می‌توانیم سیستمی به پایداری واره طراحی کنیم؟

واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران

کتاب واره شامل ۱۱ فصل و ۶۲۹ صفحه، کامل‌ترین سند پژوهشی موجود درباره واره است. در واقع این کتاب، جلد دوم از مجموعه‌ای چند جلدی از همین نویسنده پیرامون انواع یاری‌گری‌های سنتی ایران است. (جلد ۱: فرهنگ یاری‌گری در ایران: یاری‌گری سنتی در آب‌یاری و کشت‌کاری. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳) در مقدمه کتاب واره، مرتضی فرهادی، به گونه‌شناسی واره به عنوان نوعی «هم‌یاری هم‌گرا» (یا هم‌یاری تجمعی) می‌پردازد. (ناگفته نماند که گونه‌شناسی مفصلی از انواع یاری‌گری‌های سنتی در جلد ۱ آمده است که بی‌شک از خواندنی‌های اساسی طراحان و برنامه‌ریزان سیستم‌های اجتماعی در ایران است.) مقدمه کتاب واره هم‌چنین شامل بحث مفصل و مستدلی پیرامون اهمیت و ضرورت شناخت شکل سنتی واره در جامعه مدرن امروز است. در این بخش، که خود دفتری کامل و مستقل است، فرهادی دلایل شخصی خود برای شروع پژوهش واره، لزوم بومی‌سازی علوم اجتماعی ایران، و مثال‌های متعددی از الگوبرداری‌های معاصر از تشکلهای سنتی در کشورهای مختلف دنیا را آورده است.

در فصل نخست کتاب، کلیات واره، مطالبی پیرامون روش تحقیق این اثر، همراه با چندی از ملزومات و ملاحظات پژوهشی برای علاقه‌مندان تحقیقات میدانی در علوم اجتماعی آمده است. در این فصل، نام اماکن (بیش از ۲۲۰ جا از سراسر کشور) و ویژگی‌های ایلی راویان و مصاحبه‌شوندگان نیز آورده شده است. در بدنه اصلی کتاب (فصل‌های ۲-۱۰) موضوعات زیر به طور مستند، مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است: پیشینه تاریخی واره در

فرهنگ و اقتصاد محلی ایران (فصل ۲)؛ ملاحظات فرهنگی در تشکیل و تداوم واره (فصل ۳)؛ دلایل اقتصادی و اجتماعی تداوم واره (فصل ۴)؛ جزییات فنی تشکلهای سازی در واره (فصل ۵)؛ عوامل جغرافیایی و آب و هوایی همراه با مجموعه‌ای جذاب و آموزنده از جشن‌ها، رسومات و باورهای محلی برای تقویت هم‌بستگی، اعتماد متقابل و هم‌دلی هموارگان (فصل ۶)؛ چگونگی تحویل شیر و پیمانه کردن آن (فصل ۷ و ۸)؛ و بالاخره قواعد گردش شیر و تعطیلات واره (فصل ۹ و ۱۰). فصل ۱۱ کتاب شامل فهرست‌های کتاب (به طور جداگانه) شامل فهرست نام اشخاص؛ نام طوایف، عشایر و اقوام؛ نام جای‌ها؛ اصطلاحات و واژگان محلی؛ جداول، طرح‌ها و تصاویر و نقشه‌هاست. این بخش هم‌چنین شامل منابع و مؤخذ (شفاهی و کتبی) مؤلف است.

به جرأت می‌توان گفت که شگفت‌آورترین و آموزنده‌ترین ویژگی واره، هماهنگی اجتماعی اعضای این تشکلهای سنتی است. خواننده کتاب واره می‌آموزد که در زمان پیمایش شیر، همه اعضا می‌باید حضور داشته باشند. یعنی در طی روز، همه اعضا، می‌باید یک یا دو بار، هم‌زمان در خانه صاحب‌واره گردهم آیند، شیر را به دقت و نظارت همگی اعضا پیمانه کنند و سپس به کارهای دیگر خود بازگردند. تعداد اعضای و از ۲ تا ۱۵ نفر (حتی در خراسان، گاه تا ۲۰ نفر) مشاهده شده است (ص. ۳۶۵). حتی دیده شده است که تعدادی از واره‌های کوچک‌تر به هم متصل می‌شده‌اند و واره بزرگ‌تری تشکیل می‌دهند. مسلماً با تمامی مشغله‌های کاری و خانوادگی زن روستایی و عشایری، با این تعداد از اعضا، هرگونه تأخیر در رسیدن زنان به محل شیرپیمی در موعد آن، موجب فروپاشی نظام واره می‌شد. ناگفته نماند که برخی از زنان که هم شیر گوسفند و بز و هم شیر گاو داشتند، هم‌زمان در دو واره مجزا عضو بوده‌اند (ص.

جمله معیارهای بسیار مؤثر اجتماعی و فرهنگی برای پذیرفته شدن زنان در واره برشمرده است. مسلماً در این نظام اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، «اخلاق» نقش بسیار گرانی داشته است و لذا در واره‌ها جایی برای لچری، سلیطه‌گری، دویه هم‌زنی، شورچشمی و نظرتنگی نبوده است (صص. ۲۷۸-۳۲۶).

دقت در پیمایش شیر نیز از ویژگی‌های ممتاز نظام «یاری‌گری» واره بوده است. در پایان کار واره (در پایان فصل شیردهی دام‌ها)، هیچ‌یک از اعضای واره نباید بستان‌کار و یا بده‌کار باشد. نوبت هم‌وارگان (همانا گردش شیر) در ابتدا، با سرواره آغاز می‌شود. (سرواره معمولاً ولی نه همیشه) زنی است که بیش از دیگر اعضا شیر دارد. اول همه اعضا شیرهای خود را به سرواره می‌دهند. سپس نوبت به نفر دوم و سپس نفر سوم و الی آخر می‌رسد. دریافت‌کننده شیر (صاحب واره) در نوبت خود، آن قدر از دیگر اعضا شیر دریافت می‌کند تا بدهی دیگران به او تسویه شود.

سپس نوبت به نفر بعدی می‌رسد. برای این‌که حق کسی پایمال نشود و انصاف کاملاً رعایت شود، در هنگام تحویل شیر، پیمایش و «حساب‌داری» دقیق برقرار است. برای پیمایش دقیق شیر از روش‌های متفاوتی استفاده می‌شده است، از جمله روش پیمانه کردن با ظروف، روش سوزن‌کش و روش لاله‌گذاری (با چوب، انگشت و یا آرد و خاکستر). در جاهای مختلف کشور، از ابزار مختلفی برای سنجش مقدار شیر استفاده می‌شده است: چوب‌خط‌های مدرج (مثل کت^{۱۱} در ناتر کلاردشت چالوس)، ظرف‌های مدرج (مثل لیچه در روستاهای ملایر، کلز^{۱۲} و جوله^{۱۳} در دهکده سما در

۱۰۶). با توجه به پیچیدگی نظام نوبتی و گردش شیر در واره‌ها، به راستی که در مقایسه با تشکلات غیر رسمی و (حتی رسمی) امروز جامعه، این درجه از انضباط جدأ بی‌مانند و ستودنی است. مؤلف کتاب این دست‌آورد عظیم اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را به زبان آمار و ارقام این‌چنین بیان می‌کند:

اگر میانگین اعضای واره را ۵ نفر در نظر بگیریم، در سال ۱۳۳۵ حدود ۴۰۰ هزار سازمان تعاونی غیر رسمی و کوچک بی‌آوازه واره داشتیم که حدود ۲ میلیون عضو داشته‌اند. بدین ترتیب، ۱۰ میلیون روستایی و عشایر، از کل ۱۸ میلیون جمعیت ایران، به طور مستقیم تحت تأثیر این سازمان کوچک اما بسیار فراگیر قرار داشته‌اند و اگر میانگین شیر تولیدی به ازای هر عضو را روزانه ۲/۵ کیلو در نظر بگیریم، روزانه حداقل حدود یک میلیون لیتر شیر را گردآوری و به فرآورده‌های شیری تبدیل می‌کرده‌اند؛ یعنی ۷/۵ برابر ظرفیت فعلی و واقعی سه کارخانه شیر پاستوریزه اراک، و کارخانه شیر پاستوریزه شیراز و کارخانه پنیرسازی گلپایگان (ص. ۱۰۶).

مسلماً این درجه از انضباط و هم‌آهنگی از برکات سیستمی نظام واره است که صرفاً برانگیزه اقتصادی اعضا برای سود بیشتر استوار نبوده است.

در نظر گرفتن کلیه عوامل و انگیزه‌ها در عمل‌کرد پایدار و منظم این تشکل اقتصادی، در شیوه‌گزینش هم‌وارگان نیز کاملاً مشهود است: شکی نیست که ملاحظات اقتصادی، هم‌چون مرغوبیت و مقدار شیر، از معیارهای مهم‌گزينش هم‌واره‌ها بوده است. اما فرهادی، «هم‌گله» بودن، «هم‌سایه» بودن، درست‌کاری، پاکیزگی و تن‌درستی، حس یاری‌گری و خواهش‌پذیری (خواهش دیگران را به زمین نینداختن)، «خوش‌پی» بودن (کسی که بعد از او شیر را تحویل گرفتن برکت می‌آورده است)، وقت‌شناسی، خویشاوندی، مذهب، شان و منزلت اجتماعی و «خودی بودن» را نیز از

¹⁰ - Kat

¹¹ - Kalez

¹² - Jule

عضو کم شیر رد کردن»، از شگردهای دقیق و هوشمندانه‌ای است که به منظور ایجاد تعادل در تبادل شیر بین هم‌وارگان به وجود آمده است (صص. ۴۸۵-۴۸۱).

دو درس بزرگ واژه

به راستی که کتاب واژه بسیار مفصل‌تر از آن است که بتوان آن را در فضایی چنین محدود، آن‌طور که بایسته و شایسته است مورد بازبینی و تحلیل قرار داد علاوه بر این، نظر به تخصص خواننده، هرفرد علاقه‌مند و نکته‌بین، برداشت‌های بسیار متفاوتی از اطلاعات سرشار این کتاب تواند داشت. دو برداشت اصلی نگارنده این‌سطور، «کتاب واژه را در دو واژه می‌توان خلاصه کرد: «فرهنگ» و «عدالت».

بدون شک، به لحاظ چیرگی اقتصاد پولی بر جامعه مدرن، یکی از مفروضات متخصصین و عامه مردم این است که عوامل و ملاحظات اقتصادی، مردم را هم‌آهنگ، هم‌صدا و هم‌گام می‌کند. (اخذ آب‌بهای بالاتر برای تشویق شهروندان به مصرف عاقلانه‌تر آب و یا اجرای طرح ترافیک و اخذ انواع جریمه‌ها برای نظام بخشیدن به ترافیک خودروها در کلان شهر تهران، نشانه‌هایی زنده از این طرز تفکر است.) اما در بررسی موشکافانه واژه آشکار می‌شود که گذشتگان ما، انگیزه شروع و تداوم همکاری بین مردم را صرفاً در منافع اقتصادی افراد نمی‌دیدند. همان‌طور که در کتاب واژه مفصلاً آمده است، جنبه‌های فرهنگی این‌تشکل اقتصادی و محلی، بسیار عمده و در تداوم و پایداری آن نقشی کلیدی داشته است. رعایت اصول فرهنگی و پایبندی به مراسم خاص واژه‌داری، بدون شک، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و انضباط لازم برای عمل‌کرد مؤثر این‌تشکل داشته است. مرتضی فرهادی می‌نویسد:

نوشهر، و تاکل^{۱۳} و گالدلم^{۱۴} در فوشکور (کلاردشت). برای حسابداری، از چوب‌خط، حافظه و یا علامت‌گذاری روی دیوار استفاده می‌شده است. حساب‌ها یا نزد صاحب واژه (بده‌کار) و یا نزد اعضای اهدا کننده شیر (بستان‌کار) نگهداری می‌شده است. طبعاً اعتقاد راسخ به تقدس شیر (سفیدمانی)، رعایت دقیق معیارهای گزینشی در هنگام انتخاب هم‌وارگان و باور عمیق اعضای واژه به اصول اخلاقی، احتمال هرگونه سوء استفاده و مخدوش کردن حساب‌ها توسط اعضا (چه صاحب واژه و چه هم‌واره‌ها) را بعید می‌ساخته است.

ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، از جمله رعایت انصاف و عدالت اجتماعی، نه تنها در پیمایش و حساب‌رسی دقیق بدهی‌ها، بلکه در رعایت حال طبقات کم‌بضاعت جامعه نیز کاملاً آشکار است. نظام واژه طوری سازمان یافته است که هر زنی، با هر میزان شیر بتواند به عضویت این تشکل درآید و در نتیجه قادر به تولید فرآورده‌های شیری (حدداقل برای مصرف خانوار) شود. معمولاً اعضای واژه سعی می‌کنند که با زسانی هم‌واره شوند که تقریباً به یک میزان شیردارند. اما گاه به لحاظ نوسانات شیر در طی شیردهی (به دلایل مختلف، از جمله مرگ و میر دام) شگردهای خاصی برای تبادل شیر به وجود آمده است که حتی «یک بزدار هم بتواند در واژه شرکت کند» (ص. ۴۸۱). در این خصوص، فرهادی از ضرب‌المثلی لری کمک می‌گیرد که «یک بزدار هم مشکه می‌زند». (بالاخره نوبت به فقرا نیز خواهد رسید) و آن‌چه مشکه زدن برای یک بزدار را میسر می‌کرده است عضویت در واژه است. روش‌هایی چون «وژی آروزی»^{۱۵}، «سرپری»^{۱۶}، «قی ترب»^{۱۷} و یا «یک نوبت از

13- Takel

14- Galdem

15- ovari

16- sarpari

17- vari qeytareb

شواهدی بسیار گویاست. حتی تحقیق نشان می‌دهد که فروپاشی واره‌ها تا اندازه‌ای به دلیل عدم توانایی واره داران در رعایت انصاف، در شرایط جدید تولیدی امروز بوده است.^{۱۸}

نتیجه‌گیری

بیش از دو دهه از آغاز تلاش‌های سازمان‌یافته بین‌المللی در پژوهش دانش بومی جوامع سنتی می‌گذرد. در ابتدا این پژوهش‌ها صرفاً برای یادگیری فنون و ابزار تولید کشاورزی، معماری و طب سنتی و به منظور ابداع «تکنولوژی مناسب» (نوعی از فناوری که به محیط زیست و انسان‌ها آسیب نمی‌رساند) صورت می‌گرفت. اما صاحب‌نظران توسعه هم اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری جدی از تبعات زیان‌بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری مقطعی و یا دست‌کاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی (یعنی فقط جای‌گزین کردن تکنولوژی مناسب به جای برخی فناوری‌های صنعتی)، کافی

۱۸- در این خصوص، در تحقیقاتی که در منطقه پشتگزار محلات (دهستان خوره) توسط ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی پیرامون گونه‌شناسی تشکلات سنتی انجام شد، زاویان محلی، مهم‌ترین دلیل فروپاشی واره‌های منطقه را به وجود آمدن تفاوت فاحش در کیفیت شیر دامداران مختلف توصیف کردند. ترویج گاوهای خارجی (پرشیر، اما کم چرب) و تنوع و تقلب در شیوه‌های تغذیه (مثلاً استفاده از نان خشک) و حذف کردن علوفه مقوی مرتعی (مثل کنگر، گون و شکر تیغال) از جیره بعضی از دام‌ها، موجب شده است که کیفیت شیر دامداران همگی یکسان نباشد. به دیگر سخن، یک پیمانۀ شیر یک عضو واره (از نظر میزان چربی و دیگر خواص) با یک پیمانۀ شیر عضو دیگر نیست. و چون راهی برای سنجش و مقایسه دقیق کیفیت شیرها وجود نداشته است، واره قادر به حفاظت از حقوق اعضا نبوده و لذا از هم پاشیده است (عباسی، ۱۳۸۰).

«... گاه با حذف تمام دلایل اقتصادی، زن‌ها در واره باقی می‌مانند و این بی‌شک به خاطر کارکردهای دیگری است که حداقل به عنوان مقوم، واره را تقویت می‌کردند. این کارکردها در واقع، کارکردهای اجتماعی - روانی و کارکردهای تفریحی - آموزشی واره است که می‌توان آن‌ها را اصطلاحاً کارکردهای پنهانی واره نامید.» (ص ۳۰۹).

دکتر فرهادی به جایگاه «پذیرفته شده» اعضای واره در جامعه سنتی نیز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه عدم عضویت در واره، برای زن و خانواده او موجب اشکال در بسیاری از مراودات اقتصادی و اجتماعی می‌شده است. عضویت در واره هم‌چنین جواب‌گوی نیاز زنان به درد دل، مبادله تنش‌ها و تشفی روانی و نیز تبادل تجربه در مورد انواع مسایل دامداری، زراعت، درمان و بهداشت خانواده، مسایل دوران بارداری و زایمان بوده است. نیاز اجتماعی زنان به حفظ استقلال مالی و فنی از مردان نیز از دیگر انگیزه‌های هم‌بستگی زنان به تشکیل واره است که موجب تقویت حس اقتدار مدیریت در میان زنان می‌شده است (ص ۳۱۷).

شرح جشن‌ها و رسومات دیگر (از جمله تأکید بر سحرخیزی، آب جاروکردن، اهدای هدایا، به تخت نشستن سرواره، پختن آش، پوشیدن لباس تمیز و مرتب) (صص ۴۱۳-۳۷۹) حاکی از سهم عمده کارکردهای فرهنگی در کارآیی و انسجام واره است.

بدون شک، با مطالعه دقیق کتاب واره، «فرهنگ» را شرط لازم برای قوام و استواری واره می‌توان شناخت. اما شرط کافی برای پایداری این تشکل اقتصادی، رعایت دقیق انصاف و عدالت بوده است. این واقعیت را از دقت مفرط اعضای واره در پیمانۀ شیر می‌توان استنباط کرد. در این خصوص، شگردهای خاص زنان برای جبران کردن و یکسان کردن شیرها (به طوری که در پایان کار واره، نه کسی بده‌کار و نه بیستان‌کار باشد)

علمی توسعه بوده است.^{۱۹} اما از هرکدام از این دو دیدگاه (متمرکز و یا غیر متمرکز) که به مسایل توسعه بنگریم، ضرورت هم‌فکری و همکاری مردم (با هم و با دولت) در بهتر شدن شرایط کنونی انکارناپذیر است. بنابراین، در تلاش برای حل مسایل توسعه، صرفاً تکیه بر راه‌کارهای اقتصادی و یا فناوریانه کافی نیست؛ این تلاش‌ها می‌باید جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی را جداً لحاظ قرار دهد. به عبارت صریح‌تر و روشن‌تر، برنامه‌ریزی‌های متمرکز یا غیرمتمرکز، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی (همانا جنبه‌های انسانی) توسعه، بدو ناقص و ناموفق‌اند.

در چنین شرایطی است که کتاب واره به عنوان چک لیستی جامع برای اجتناب از نادیده گرفتن جزئیات تشکیل‌سازی و اقدام هم‌آهنگ در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه فراهم آمده است. این سؤالات می‌توانند راهنما و معیار ما در چاره‌اندیشی و طراحی راه‌کارهای سیستمی برای حل مسایل گوناگون شهری و روستایی کشور قرار گیرد:

- افراد (و سازمان‌های) ذی‌نفع در مسئله مورد نظر کدامند؟

نیست. لذا تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی نیز آغاز شده است. از این رو، پژوهش در زمینه‌هایی چون شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، روش‌های یاری‌گری و تشکل‌سازی، و نیز شناخت‌شناسی بومی آغاز شده است. قطعاً کاربرد این یافته‌ها در توسعه جوامع دنیا، دگرگونی اساسی و دراز مدتی را در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نوید می‌دهد. (عباسی، ۱۳۸۱).

از این رو، انتشار کتاب واره، که بررسی همه‌جانبه‌ای یکی از گسترده‌ترین و پرده‌وام‌ترین نظام‌های یاری‌گری سنتی در ایران را در بر می‌گیرد، بسیار به هنگام است. مسلماً بسیاری از مسایل جامعه‌مدن برخاسته از زیاده‌خواهی‌ها و فردگرایی‌ها در جوامع انسانی است و بنابراین انسان‌ها (یعنی فرد فرد ما) می‌توانند (و باید) در راستای حل این مسایل گام بردارند. اما به لحاظ مقیاس منطقه‌ای، ملی و جهانی این مسایل، کاربرد مؤثر راه‌کارهای ترمیمی مستلزم اقدامی هماهنگ (بین مردم و بین مردم و دولت) است.

تا کنون، اقدام دولت‌ها در اجرای طرح‌های

توسعه (در شهر و روستا) تلاشی متمرکز (از

بالا به پایین) بوده است. اما با گذشت هر

سال، با بحرانی‌تر شدن مسایل توسعه، عدم

کارایی اقدامات متمرکز، بیشتر آشکار می‌شود.

از این رو، در دهه اخیر صاحب‌نظران توسعه

در محافل بین‌المللی، بر لزوم برنامه‌ریزی

توسعه و مدیریت منابع به طور غیر متمرکز

(یعنی با مشارکت مردم محلی) تأکید کرده‌اند،

(Grimble, Robin and Martyn Laidlaw, 2002;

Pimbert, M.P., 2002; Pimbert,

M.P. and J.N. Pretty, 1998; Register

and Peek, 1997; Shackleton, S. and

others 2002) روش‌های متفاوت ترویج

«مدیریت محلی منابع» و «برنامه‌ریزی توسعه

با مشارکت مردم» (در شهرها و در جوامع

روستایی) موضوع بسیاری از گردهم‌آیی‌های

^{۱۹} - یکی از سازمان‌های بین‌المللی علاقه‌مند به دانش بومی و مشارکت گسترده‌تر مردم در مدیریت منابع و برنامه‌ریزی توسعه، سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) است. سازمان بهره‌وری آسیایی، سازمانی بین دولتی است که برای اشاعه راه‌کارهای جدید توسعه در افزایش بهره‌وری (عمدتاً صنعتی) در کشور آسیایی می‌کوشیده است. اما از سال ۱۹۹۶ به این سو، با آغاز فعالیت بخش «توسعه همه‌جانبه محلی» این سازمان، تعریف جدیدی برای «بهره‌وری» ارائه کرده است. در حال حاضر، سازمان بهره‌وری آسیایی، هدف از بالا بردن بهره‌وری را نه صرفاً افزایش کمی تولید، بلکه بهبود بخشیدن به «کیفیت زندگی» برای جوامع تعریف کرده است. (برای اطلاع بیشتر در مورد سازمان بهره‌وری آسیایی و استفاده از رساله‌های آرایه شده در کنفرانس‌های مختلف این سازمان، با سازمان بهره‌وری ملی ایران تماس بگیرید. برای تعابیر جدید (و سیستمی) از مفهوم بهره‌وری، نک (Monga, 1995).

پایدار و کارآمد قابل طراحی و قابل اجرا می‌شوند.

همان‌طور که در ابتدای کلام نیز اشاره شد، برکت پایداری توسعه را تنها از شناخت سیستمی مسایل و ابداع راهکارهای سیستمی می‌توان انتظار داشت.

در پایان، ناگفته نماند که برداشت‌ها و کاربردهای گوناگونی که از یافته‌های کتاب واره قابل اقتباس است، خود از برکات دیدگاه سیستمی مؤلف آن است. دکتر مرتضی فرهادی مرزی بین میراث معرفتی گذشته ما و آن‌چه هم اکنون به عنوان علم می‌شناسیم قایل نیست. او کل نظام معرفتی بشر را یک فرایند یک‌پارچه و در حال تکامل می‌بیند. او دانشن بومی و راه‌کارهای سستی را مجموعه‌ای از دانش تجربی بشر می‌داند که نه تنها از طریق علم کاملاً قابل فهم و ادراک است بلکه برای ابداع راه‌کارهای مناسب قرن بیست و یکم ضروری است. مرتضی فرهادی، دانش و صنعت مدرن را سازه‌ای نوین بر پایه‌های سترگ دانش بومی می‌داند، (فرهادی، ۱۳۷۸ الف، ۱۳۷۸ ب و ۱۳۷۹ و میزگرد، ۱۳۷۹) یکی از برکات نگرش جامع دکتر فرهادی به کل میراث معرفتی بشر، کتاب واره است که مسلماً در سال‌های آتی الهام‌بخش صدها کتاب و مقاله دیگر در مورد واره و دیگر سنت‌های یاری‌گری ایران و دیگر نقاط جهان خواهد بود.

- چه تغییرات فرهنگی، اجتماعی، فنی، اقتصادی و یا محیطی در ایجاد و یا تشدید مسئله دخیل بوده‌اند؟

- ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مسئله مورد نظر چیست؟

- عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی برای همکاری بین افراد (وسازمان‌های ذی‌نفع) چیست؟

- چه عوامل محیطی (طبیعی یا ساخته دست بشر) موجب تشدید و یا تخفیف مسئله می‌شود؟

- هم‌زمان با اجرای طرح، چه فعالیت‌های فرهنگی (و یا آموزشی) می‌باید ارایه شود؟

- چه سنت‌ها و اعتقادات موجود به اجرای مشارکتی طرح کمک می‌کند؟

- آیا از ابتدای کار طرح، «خودگردانی» نهایی آن، توسط خود مردم (بدون دخالت و هزینه دولتی) را پیشاپیش می‌توان پیش‌بینی و تضمین کرد؟

- کدام یک از دیگر نیازهای افراد ذی‌نفع و خانواده‌های آنان (از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، روانی، تفریحی، بهداشتی و اقتصادی) را با طراحی و اجرای مشارکتی این طرح می‌توان پیوند داد؟

- کدام‌یک از دیگر مسایل کنونی جامعه را به طرح مورد نظر می‌توان پیوند داد؟

- اجرای طرح حاضر چه اثرات مطلوب (یا نامطلوبی) بر فرهنگ و جامعه فعلی می‌گذارد؟

بدیهی است که تمرکز سؤالات بالا بیشتر بر مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی است. این بدان معنی نیست که دیگر عوامل (اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، فنی، و غیره) را نباید در نظر گرفت. بلکه این تمرکز، به منظور تأکید بر جوانبی از چاره‌جویی توسعه است که تاکنون کمتر به آن توجه کرده‌ایم. با در نظر گرفتن تمامی جوانب مسایل موجود (به ویژه عوامل اجتماعی و فرهنگی) راه‌حل‌های سیستمی

-Koestler, Arthure, 1971, **Bey and Reductionism** Beacon press.

-Monga, R. C. 1995, **Emerging concept , process and Dynamics of productivity- Quintessential Features, New Trends in produaivity Tokyo,APO**

-Pimbert, M.P, 2002, **Towards Democratic Control and Participation in the Management of Agricultural Biodiversity.** London: Growing Diversity and International Institute for Environmental Development (IIED).

-Pimbert, M.P.and J.N.pretty, 1998, **Diversity and Sustainability in community based conservation in** Kothari, A,R.V.Anuradha,N.pathak and B.Taneja(eds). **Comunwnities and Conservation : Natural Resource Management in South and Central Asia** London and New Delhi: UNESCO and Sage publications, p. 58-77.

-Register, Richard and Brady Peeks (eds)**Village wisdom, Future Cities** Berkeley: Ecocity Builders.

-Shackleton, S. and others, 2002, **Devolution and Community-based Natural Resource Management : Creating Space for Local people to participate and Benefit ? ,ODI Natural Resource Perspeaives** No. 76, March

-Wilber, Ken, 1995, **Sex, Ecology, spirituality: The Spirit of Evolution**, shambala

منابع

- عباسی، اسفندیان، ۱۳۷۸، دگرگونی اندیشه در جهان: کاربرد اجتماعی و فرهنگی دانش بومی در توسعه پایدار، فصل نامه علوم اجتماعی ش ۱۵ و ۱۶.

- _____، ۱۳۸۰، **تعاونی‌های رسمی یا مشارکت شبکه‌ای در روستاها.** (گزارش داخلی) ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خورهه.

- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۹، بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش‌های بومی، نمایه پژوهش ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.

- _____، ۱۳۷۸الف، گذشته تنها یک گذشته نیست: لزوم پژوهش در دانش و کار ابزارهای سنتی ایران، در حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، جلد ۱: مبانی، مفاهیم و باورهای حاکم، (تألیف و گردآوری، محمد حسین عمادی و اسفندیار عباسی) تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد سازندگی.

- _____، ۱۳۷۸ب، **مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی، نمایه پژوهش** ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان. میزگرد، ۱۳۷۹، دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی در آیینة علم و تجربه صاحب‌نظران، نمایه پژوهش ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.

-Grimble, Robinand Martyn Laidlaw (2002) **Biodiversity Management and Local Livelihoods: Rio plus 10 ODI Natural Resource perspeaives** No. 73, January

-Harman, Willis (1998) **Global Mind Change.** San Francisco:loNS.

نگرش و عملکرد سیستمی در جوامع مدرن:

بررسی یک نمونه

خاستگاه دانش بومی (نظیر دانش بومی تشکل سازی در واره) عمدتاً جوامع کوچک محلی است لذا غالباً به خطا تصور می شود که یافته های پژوهشی در این زمینه نهایتاً کاربردی محلی خواهد داشت. در صورتی که دیدگاه سیستمی در علم نوین و طراحی سیستمی در چاره جویی های توسعه (که خود الهام گرفته از شناخت شناسی به وجود آورده است. یک نمونه از کاربرد موفق این شیوه تفکر در شهرسازی کل نگرستی است). عملاً انقلابی عظیم در برنامه ریزی شهری در جهان است. توسعه همه جانبه شهر کوریچیا (Curitiba) در کشور برزیل:

در بیست سال اخیر در شهر کوریچیا، «انسان» محور برنامه ریزی و توسعه شهری قرار گرفته است. در این راستا آموزش، هم اندیشی، تشکل سازی و نوآوری در صدر اولویت های مدیران شهری کوریچیا قرار داشته است. از اولین اقدامات مردم و شهرداری کوریچیا، تأسیس کانونی اجتماعی و فرهنگی به نام «دانشگاه آزاد برای محیط زیست» (Open University for the Environment) بود که کارشناسان امور شهرسازی و شهرداری بتوانند از مشارکت فکری مردم بهره مند شوند تاکنون، تلاش های سیستمی برای حل مسایل شهر شامل اقدامات زیر بوده است:

- آموزش کودکان و نوجوانان در مورد محیط زیست و سلامت خانواده در تمامی مدارس، برای اطلاع رسانی عمومی در سطح جامعه.

- ایجاد پیوند بین جمع آوری تفکیک و بازیافت زباله از یک سو و کارآفرینی برای بی خانمانان شهر، از سوی دیگر.

- تبدیل خیابان های اصلی شهر به آزادراه برای اتوبوس های درون شهری، دوچرخه ها و

عابران پیاده (که عملاً به رونق بیشتر کسبه انجامیده است.

- تمرکز بر آموزش و استفاده از فنون هم اندیشی و نوآوری در دانشگاه آزاد برای محیط زیست به منظور توانمندسازی فارغ التحصیلان در ایجاد کارهای شهری که نهایتاً به بهبود شرایط زندگی در شهر بیانجامد

- ایجاد پارک جنگلی در کناره های رودخانه کوریچیا و گسترش فوق العاده فضای سبز (و ضمناً حل مسئله سیلاب ها و ویرانی های فصلی).

آمار زیر نشان گر میزان موفقیت تفکر و طراحی سیستمی با مشارکت فکری و اجتماعی مردم در کوریچیا است.

- سرعت متوسط اتوبوس ها از ۶۰ کیلومتر در ساعت به ۳۰ کیلومتر در ساعت رسیده است و ۲۷ درصد از رانندگان، اتومبیل شخصی خود را کنار گذاشته اند و از سرویس اتوبوسرانی استفاده می کنند. در نتیجه استفاده از سوخت فسیلی در شهر ۲۵ درصد کاهش یافته است.

- تقریباً ۷۰ درصد کاغذ و ۶۰ درصد پلاستیک فلز و شیشه در کوریچیا بازیافت می شود و لذا حجم زباله ها تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. مشارکت مردم در جمع آوری و بازیافت زباله در محله های پر تراکم شهر، اثری مثبت بر بهداشت محیط و سلامت خانواده ها داشته است.

- در بیست سال اخیر. متوسط سرانه فضای سبز از ۱/۵ متر مربع به ۵۰ متر افزایش یافته است. لازم است اضافه شود که جمعیت کوریچیا نیز در این مدت از ۶۰۰ هزار نفر به ۱/۳ میلیون نفر رسیده است. پارک «ایگوآچو» (Iguacu) در کوریچیا یکی از بزرگ ترین پارک های شهری جهان است. (Dos Santos, 1997).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادبود



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی